

راهکارهای ترویج و تعمیق فضائل اخلاقی در خانواده قرآنی

رقیه بارانی^۱

چکیده

مسئله اخلاق، تهذیب نفس و آراسته شدن به فضائل اخلاقی در همه ادیان توحیدی و خصوصاً اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، به طوری که از اهداف بعثت انبیاء و نزول قرآن کریم، تربیت انسان‌ها و آراسته شدن آن‌ها به فضائل والای اخلاقی است. فضیلت‌های اخلاقی در خانواده نقش بنیادینی در شکل‌گیری شخصیت اعضا، تقویت روابط خانوادگی، و ارتقای سلامت روانی و اجتماعی ایفا می‌کنند. خانواده به عنوان نخستین و مهمترین نهاد تربیتی، زمینه ساز انتقال ارزشهای اخلاقی همچون محبت، صداقت، احترام، گذشت، و مسئولیت‌پذیری به نسل آینده است. این ارزشها علاوه بر تقویت روابط عاطفی و کاهش تعارضات در خانواده، تاثیرات گسترده‌ای بر جامعه دارند و باعث تقویت اعتماد اجتماعی، کاهش ناهنجاریها، و افزایش انسجام اجتماعی می‌شوند. بنابراین در این نوشتار تلاش شده که با روش توصیفی- مروری و با مراجعه با آیات و روایات، به شماری از راهکارهای فضایل اخلاقی در خانواده قرآنی پرداخته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فضائل اخلاقی از بارزترین صفات انسانی و الهی است که در مناسبت‌ها و روابط خانوادگی و اجتماعی پیوند دهنده‌ی قلب‌ها و تقویت‌کننده‌ی صمیمت‌ها است و در تعالی و رشد و کمال خانواده و نظام اجتماع نقش مهمی ایفا می‌کند. برخورداری اعضای خانواده از فضایل اخلاقی و عمل به آنها نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد و کارآمدی خانواده به عنوان کانون تعلیم و تربیت بدون کسب و رعایت مسائل اخلاقی تأمین نخواهد شد.

واژگان کلیدی: فضائل اخلاقی، اخلاق، خانواده.

^۱. حوزه علمیه خواهران زینبیه شهرستان زهک، ۰۹۳۰۵۸۴۳۳۷۴.

مقدمه

اسلام به عنوان یک نظام پرورش‌دهنده انسانی، بیشترین توجه را به احترام و برجستگی نهاد خانواده اختصاص داده و این بنیان را مرکز اصلی تربیت اخلاقی، منبع عشق و مایه رحمت دانسته است. در این باور، سلامت یا فساد جامعه بشری به هنجار بودن یا نبودن این پایه اجتماعی وابسته است. همچنین، هدف اصلی از تشکیل خانواده را برآورده کردن نیازهای زندگی؛ اعم از مالی، هیجانی و معنوی، و دست یافتن به ثبات و آرامش درونی می‌داند. در دنیای مدرن، مفهوم خانواده و روابط خانوادگی، جایگاه اصلی خود را از دست داده و زن و مرد، به صورت قراردادی در زیر یک سقف زندگی می‌کنند؛ نه انس و عشقی دارند و نه محبت و صفایی. این در حالی است که اسلام، محیط خانه را محل عشق و محبت و ارتباطات عاطفی دانسته است. تمام حقوق و وظایفی که در اسلام آمده است، در حقیقت تبیین دقیق حدود و مرزهاست تا در محیط خانواده، زن و مرد با محبت در کنار هم زندگی شیرینی را تجربه کنند.

رعایت اخلاق و عمل بر اساس دستوره‌های اخلاقی، یک امر خصوصی در زندگی شخصی نیست که فقط یک مسئله مقدس، روحانی و معنوی باشد و تنها برای زندگی اخروی فایده داشته باشد، بلکه همه مسائل اخلاقی آثاری در زندگی مادی و معنوی جامعه بشری و انسانی دارد که بدون آن زندگی انسانی مفهوم خود را از دست خواهد داد. درست است که زندگی فرد نیز بدون اخلاق، لطافت و شکوفایی و زیبایی ندارد، ولی مهم‌تر از زندگی فردی، خانواده و زندگی اجتماعی است که با حذف و یا کم‌رنگ شدن مسائل اخلاقی، به سرنوشت نامطلوبی گرفتار و کارآمدی خانواده دچار اختلال می‌شود.

۱: تعاریف و مفاهیم

الف: خانواده

تاکنون تعاریف گوناگونی برای خانواده ارائه شده است که عموماً بر اساس دو نکته بیان گردیده؛ یکی ساختارهای موجود خانواده که تاریخ از آن یاد کرده است و دیگری انتظاراتی که از کارکرد خانواده بوده و هست.

– «خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، همخونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می آورند و در واحد خاص زندگی می کنند.»^۱

– «خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آنان با یکدیگر بر اساس همخونی شکل میگیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می شوند.»^۲

– «خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خوردهاند و کارکرد اجتماعی اصلی آنها تولید مثل است.»^۳

– سازمان ملل متحد (۱۹۹۴) نیز در آمار جمعیتی خود، خانواده را چنین تعریف میکند: «خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفرهای اطلاق میشود که با هم زندگی میکنند؛ درآمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون، فرزندخواندگی یا ازدواج، با هم نسبت دارند. در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند، تمام خانوارها، هم خانواده نیستند.»^۴

ب. اخلاق در لغت و اصطلاح

«اخلاق» واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» است و در لغت به معنای «سجّیه و طبع» (سرشت) به کار رفته است؛ اعم از سرشت پسندیده یا ناپسند. «خُلُق» و «خُلُق» از یک ریشه‌اند، ولی یکی به صورت انسانی

۱. قنادان، جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، ص ۱۴۸

۲. همان، ص ۱۴۸

۳. ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۳۵

۴. نجاریان، عوامل مؤثر در کارایی خانواده، ص ۱۹

اشاره دارد و دیگری به سیرت او: خُلُق به صورت باطنی انسان و خَلَق به صورت ظاهری او اطلاق می‌شود و هریک دارای صفات زیبا و زشت اند و ثواب و عقاب به هردو صفات تعلق می‌گیرد؛ البته به صفات خُلُق، بیشتر.^۱

در روایات و ادعیه هم، چنین تقابلی مشاهده می‌شود و دو ساحت وجودی انسان (بدن مادی و نفس مجرد)^۲ در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند: پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به یکی از مسلمانان فرمودند: «إِنَّكَ امرءٌ قد أحسن الله خَلْقَكَ فأحسن خُلُقَكَ؟» و در دعا‌های خویش چنین می‌گفتند: «اللَّهُمَّ حَسِّنْ خَلْقِي وَ خُلُقِي».^۴

اخلاق در اصطلاح اندیشمندان اخلاقی تعاریف و کاربردهای مختلفی دارد که به چند تعریف مهم از آنها اشاره می‌کنیم:

رایج‌ترین و سابقه‌دارترین معنای اخلاق در میان عالمان و فیلسوفان اسلامی و دینی و بلکه غیردینی عبارت است از ملکات و صفات پایدار در نفس که باعث صدور افعالی متناسب با آنها، به راحتی و بدون نیاز به تفکر و تأمل می‌گردند. برای نمونه به تعریف اخلاق از زبان تعدادی از صاحبان این علم اشاره می‌کنیم:

ابوعلی مسکویه می‌نویسد: «الخلق حال للنفس داعية لها إلى أفعالها من غير فكر و لا روية...» البته مراد از «حال» در این عبارت، همان «ملکه» است؛ هم چنان که در چند سطر بعد به این لفظ تصریح می‌کند و از خود این عبارت هم مشخص است.^۵

تعریف علامه مجلسی چنین است: «الخلق بالضم ملکه للنفس يصدر عنها الفعل بسهولة...»^۶. فیض کاشانی هم اخلاق را این گونه تعریف می‌کند: «الخلق عبارة عن هيئة راسخة في النفس تصدر عنها الأفعال بسهولة و يسر من غير حاجة الى فكر و روية...»^۷ و در نهایت تعریف بستانی به نقل از عالمان اخلاق: «الخلق في عرف العلماء ملکه تُصدر بها النفس الأفعال بسهولة من غير تقدم فكر و روية و تكلف...»^۸.

۱. الفیروز آبادی، القاموس المحيط، ص ۱۱۳۷

۲. الطباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، صص ۳۵۰-۳۵۲.

۳. القمی، سفینه البحار و مدینه الحکم وال آثار، ج ۲، ص ۶۷۷.

۴. همان، ص ۶۸۰.

۵. احمد بن مسکویه، تهذیب ال أخلاق [یا طهارة ال أعراق]، ص ۳۶.

۶. المجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۶۷، باب ۵۹، ص ۳۷۲، ذیل حدیث ۱۸.

۷. الکاشانی، الحقائق فی محاسن الاخلاق، ص ۵۴.

۸. البستانی، محیط المحيط، چ جدید، ص ۲۵۱.

براساس این معنا و با توجه به قیود مندرج در تعریف، صفات ناپایدار در نفس مانند غضب انسان شکیبا و یا صفاتی که با زحمت و تأمل از فردی صادر می‌شود مانند کرم شخص بخیل، از قلمرو اخلاق خارج‌اند و به آنها خلُق صدق نمی‌کند؛ هم چنان که در کتاب محیط المحیط به آن تصریح شده است.^۱

نیز طبق این تعریف، اخلاق شامل فضایل و رذایل اخلاقی هر دو می‌شود: اگر هیئت راسخ در نفس، مبدأ صدور افعالی پسندیده از نظر عقل و شرع باشد، آن را خلق نیک گویند و اگر برعکس، باعث صدور افعال ناپسند شود، به آن خلق بد اطلاق می‌شود.^۲

هم چنان که اشاره شد این معنا از اخلاق^۳ از سابقه‌ی طولانی برخوردار است و در میان فیلسوفان یونان باستان نیز پیروان و معتقدانی داشته و به خصوص ارسطو کتاب‌هایی در این زمینه تدوین کرده و به تفصیل بدان پرداخته است. هم اکنون نیز فیلسوفان ارسطوگرای غربی همچون پینکافس و دیگران به طور اجمال از این معنای اخلاق حمایت می‌کنند.^۴

در فلسفه‌ی اخلاق از این تعریف به «اخلاق فضیلت» تعبیر می‌شود؛ در مقابل «اخلاق وظیفه». فرانکنا، از فیلسوفان برجسته‌ی غرب، در توضیح این معنا می‌گوید که اخلاق در سرتاسر تاریخ به پرورش ملکات یا ویژگی‌های خاصی پرداخته است که در میان آنها «منش» و «فضایلی» مانند درستکاری، مهربانی و وظیفه‌شناسی قرار دارند. وی سپس به تعریف فضایل می‌پردازد و آن‌گاه می‌گوید: «به نظر می‌رسد تصور افلاطون و ارسطو از اخلاق همین است؛ زیرا آنها عمدتاً برحسب فضایل و فضیلت‌مندی سخن گفته‌اند، نه برحسب آنچه درست یا الزامی است. هیوم (نیز) الفاظ مشابهی را به کار می‌برد، گرچه... متأخرتر از آنها، لسللی استفتن است...»^۵.

۱. البستانی، ص ۴۴ «غیر الراسخ من صفات النفس كغضب الحليم لا يكون خلُقاً. و كذا الراسخ الذی يكون مبدءاً للافعال النفسية بعسر و تأمل كالبحیل اذا حاول الكرم».

۲. الكاشانی، الحقائق فی محاسن الاخلاق، ص ۵۵

۳. الطباطبائی، تفسیر المیزان، ص ۳۷۳.

۴. پینکافس، از مسأله محوری تا فضیلت‌گرایی، ص ۴۱

۵. ویلیام کی. فلسفه اخلاق، صص ۱۳۹-۱۴۴.

نتیجه گیری

هدف نهایی پیامبران و ادیان آسمانی ساختن جامعه ای مبتنی بر اخلاق و فضایل انسانی بوده است و این نشان می دهد که مسائل اخلاقی در هر زمان از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بوده ولی در عصر و زمان ما اهمیت ویژه ای دارد چرا که عوامل و انگیزه های فساد در عصر ما از هر زمانی بیشتر است. اکتساب صفات پسندیده اخلاقی و منزه کردن قلب از رذائل اخلاقی از مهم ترین مباحث اخلاقی و از یک نظر مهم ترین هدف بعثت انبیای الهی را تشکیل می دهد، زیرا بدون اخلاق نه دین برای مردم مفهومی دارد و نه دنیای آن ها سامان می یابد.

خانواده، مجری سبک زندگی اسلامی و نظامی پویا است که این نظام ضمن اینکه با ویژگی های فطری انسان منطبق است، اصول، روش ها و کارکردهایش، دائماً هماهنگ با دگرگونی های محیطی و شرایط زمانه، شاداب نگاه داشته می شوند؛ زیرا روش ها، ابزارها و راهکارهای تربیتی، هماهنگ با شرایطی هستند که در به فعلیت رساندن استعدادهای ظرفیت یافته سرشتی به فرد کمک می کنند.

خانه ای که فضایل اخلاقی مانند الفت و مهربانی، گذشت و ایثار، احترام و تکریم، حسن ظن و یاد خدا و دعا و... در آن حاکم باشد، خانه پربرکت خواهد بود و موجب رضایت پروردگار عالمیان است. خیر دنیا و آخرت شامل اعضای آن خانواده می شود و محلی برای رفت و آمد ملائکه الهی خواهد بود که این از رسالت مادران است. داشتن خانواده ای سرشار از فضایل و صفات پسندیده نیز از وظایف مادران است؛ آن ها با ایجاد چنین کانونی، می توانند خانه ای سرشار از آسایش و آرامش ایجاد کرده و شاهد پیشرفت های معنوی فرزندان شان در چنین بستری باشند.

منابع

*قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن أبي فراس، مسعود بن عيسى؛ **مجموعه ورام**؛ چاپ اول، قم: مکتبه فقیهه، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن مسکویه، احمد، **تهذیب الأخلاق**، بیروت: دارمکتبه الحیاه، ۱۹۶۱ م.
۳. اتکینسون، آ.راف، **درآمدی به فلسفه اخلاق**، ترجمه: سهراب علوی نیا، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۰ ه.ش.
۴. البستانی، بطرس، **محیط المحيط**، چ جدید، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۸۷ م.
۵. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، تهران، سازمان انتشارات جاویدان. ۱۳۶۴
۶. پینکافس، ادموند، **از مسأله محوری تا فضیلتگرایی**، ترجمه: سید حمید رضا حسنی و مهدی علی پور. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۹۱۹ م.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ **غررالحکم و دررالکلم**؛ محقق/مصحح: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتب الاسلامی. ۱۴۱۰ ق؛
۸. الجواهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه**، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، چ دوم، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۹۹ ه.ق.
۹. حاتم، جاد، یحیی بن عدی و «**تهذیب الاخلاق**»، بیروت: دارالمشرق، ۱۹۸۵ م.
۱۰. حجتی، سید محمد باقر، **جمع میان مفهوم مقدر بودن رزق با تلاش و تدبیر در جلب رزق**، پژوهش نامه قرآن و حدیث، زمستان، شماره ۳. ۱۳۸۶
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، قم: کتابچی، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. حرانی، ابن شعبه. **تحف العقول**، چاپ یکم، قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۳۶۳.

۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نورالثقلین؛ تصحیح: هاشم رسولی؛ چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۴. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ش.
۱۵. الراغب اصفهانی، الحسین، الذریعه الى المکارم الشریعه، چ دوم، قم: منشورات الرضی، بی تا.
۱۶. رشید پور، مجید؛ تحکیم خانواده، نشر عابد، ۱۳۷۸
۱۷. ساروخانی، باقر، جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
۱۸. شعیری، محمد بن محمد؛ جامع الأخبار؛ چاپ اول، نجف: مطبعة حیدریه، [بی تا].
۱۹. صدوق، محمد بن علی، الامالی، قم، البعثه، ۱۴۱۷ق.
۲۰. _____؛ کتاب من لایحضره الفقیه؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲۱. _____ عیون أخبار الرضا(ع)، تصحیح مهدی لاجوردی؛ چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۲. _____؛ الخصال؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۴.
۲۴. طبرسی، ابی منصور احمد بن علی؛ الاحتجاج علی اهل اللجاج؛ تحقیق: ابراهیم البهادر و محمد هادی؛ تهران: دارالاسوه، ۱۴۱۳ق.
۲۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ش.
۲۶. فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، ترجمه: هادی صادقی، چ دوم، قم: کتاب طه، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۷. فرمهبینی فراهانی، محسن و دیگران؛ «بررسی تربیت اخلاقی، از منظر امام صادق علیه السلام،» مبانی، اصول، روش های تربیتی؛ دو ماهنامه دانشور رفتار، تهران: دانشگاه شاهد، شماره ۳۹، ۱۳۸۸، صص ۶۵-۷۹.

۲۸. الفیروز آبادی ، مجدالدین محمد بن یعقوب ، **القاموس المحیط** ، چ دوم ، بیروت: مؤسسه الرساله ، ۲۰۰۵م.
۲۹. فیض الکاشانی ، محسن ، **الحقائق فی محاسن الاخلاق** ، تصحیح: السید ابراهیم المیانجی ، تهران : کتاب فروشی اسلامیة ، ۱۳۷۸ه.ق.
۳۰. القمی ، (الشیخ)عباس ، **سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع ...** ، چ دوم ، طهران : دارالاسوه للطباعة و النشر ، ۱۴۱۶ه.ق .
۳۱. قنادان، منصور، **جامعه شناسی مفاهیم کلیدی**، تهران، آوای نور، ۱۳۷۵.
۳۲. کاوندی، زینب و دیگران؛ «عزت نفس، احترامی به ملکوت خویشتن با نگاهی از دریچه روان شناسی و دین»؛ فصلنامه طهورا (مطالعات زنان و خانواده)، قم: جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) العالمیه، شماره ۱۲، ۱۳۹۱، صص ۱۶۵ - ۱۹۰.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الطهار علیه السلام**، بیروت، مؤسسه الوفاء. ۱۴۰۳
۳۵. محمد بن حسن الحسینی العاملی؛ **مواعظ العددیه**؛ قم: ایران، طلیعه النور، ۱۳۸۴
۳۶. محمدی ری شهری، محمد. **میزان الحکمه**. ترجمه: حمیدرضا شیخی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث. ۱۳۷۹
۳۷. مسکویه رازی ، ابوعلی ، **کیمیای سعادت** : ترجمه طهاره الأعراق ، ترجمه : میرزا ابوطالب زنجانی ، تصحیح: ابوالقاسم امامی ، تهران :نقطه ، ۱۳۷۵ه.ش.
۳۸. مطهری، مرتضی؛ **مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی**؛ مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۷۲.
۳۹. نبی‌اللهی، علی؛ «**جوان و سبک زندگی مطلوب از دیدگاه قرآن**»؛ فصلنامه مطالعات جوان و رسانه، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، شماره ۸، ۱۳۹۱، صص ۱۳ - ۳۴.
۴۰. نجاریان، فرزانه، **عوامل مؤثر در کارایی خانواده**، دانشگاه آزاد اسلامی (پایاننامه کارشناسی ارشد)، ۱۳۷۵.

۴۱. النراقی ، محمد مهدی ، جامع السعادات ، تعليق و تصحيح:السيد محمد كلانتر ، چ سوم ، منشورات جامعه النجف الدينيه ، ۱۳۸۳هـ.ق.

۴۲. نوری، میرزا حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، بیروت: مؤسسه آل البيت . ۱۴۰۸